



گزارش رصد فرهنگی (۹۴)

فراسوی هراس اخلاقی؛ نگرش ایرانیان به مهاجران افغانستانی

گزارش نود و دوم مرکز رصد فرهنگی اختصاص دارد به نگرش ایرانیان به مهاجران افغانستانی؛ در این گزارش تفاوت‌های دیدگاه‌های ایرانیان به حضور اتباع بررسی کرده است که در بحبوه جنگ ۱۲ روزه این نگرش‌ها دستخوش تغییراتی شد که در گزارش به آن اشاره شده است، این گزارش در شهریور ۱۴۰۴ در مرکز رصد فرهنگی کشور تهیه و تولید شده است.

سیاست جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مهاجران افغانستانی بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه، ساماندهی آن‌ها بوده است. آنچه در این سیاست مهم است، در اختیار داشتن اطلاعات دقیق از مهاجران و اتباع بیگانه است، چنان‌که دربند «ب» از ماده ۸۶ این قانون آمده است: نسبت به ساماندهی ورود، خروج، تردد، سرشماری، آمایش سرزمینی و ثبت احوال اتباع بیگانه، پناهجویان، مهاجران قانونی و غیرقانونی با همکاری وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه، مرکز آمار ایران، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، سازمان ثبت احوال کشور و سایر دستگاه‌های اجرایی، به نحوی اقدام شود که تمام اطلاعات مهاجران و اتباع بیگانه در یک پایگاه داده مرجع برخط و یکپارچه گردآوری شود؛ اما در پی جنگ دوازده روزه ایران و اسرائیل، آنچه در مرکز توجه قرارگرفته سیاست اخراج جمعی مهاجران افغانستانی از کشور بوده است. به گفته رئیس مرکز امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور تا ۸ شهریور، یک میلیون و ۲۳۵ هزار و ۸۴ نفر از کشور خارج شده‌اند و به اتباعی که هنوز برگه خروج نگرفته‌اند، حداکثر ۱۰ روز فرصت داده شده (تقریباً تا ۲۰ شهریور ۱۴۰۴) به مراکز رسیدگی به امور اتباع رسیدگی کنند. سخت‌گیری نسبت به مهاجران افغانستانی همانا ریشه در باوری داشت که بلافاصله پس از جنگ دوازده روزه شکل گرفت حاکی از آن است که ما در این جنگ از داخل نیز ضربه خورده‌ایم و یکی از گروه‌هایی که ظن آن می‌رفت به ما ضربه زده باشند همین مهاجران افغانستانی بودند.

صرف‌نظر از اینکه این گمان و اتهام چقدر درست بود، به‌سرعت در جامعه انتشار یافت. چنان‌که بر اساس نظرسنجی ایسپا در اوایل تیر ۱۴۰۴، ۶۵.۴ درصد ساکنان تهران معتقد بودند اتباع افغانستانی در بروز ناامنی‌های ایام جنگ نقش زیادی داشتند و ۵۴.۲ درصد گفتند بهتر است سیاست کلی ایران در خصوص مهاجران افغانستانی، اخراج تمامی آن‌ها باشد. این افغانستانی‌ستیزی رادیکال در حالی است که برخی در ایران تمام‌قد علیه آن ایستاده‌اند و از انسان افغانستانی دفاع می‌کنند؛ انسانی که زندگی‌اش به شدت تحت تأثیر سیاست ناگهانی ایران برای اخراج مهاجران قرارگرفته است، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان، کودکان و بیماران تا جایی که برخی بیماران افغانستانی در ایران از ترس اخراج، حتی حاضر به مراجعه بیمارستان‌ها نیستند و برخی از آن‌ها که دچار فقر هستند، نمی‌توانند از کمک خیریه‌ها استفاده کنند، چون خیریه‌ها در پی سیاست جدید اخراج اعلام‌شده دیگر نمی‌توانند به مهاجرانی که مشمول بیمه نمی‌شوند، کمک کنند. (اکرمی، ۱۴۰۴)